



شخصیت خانوادگی امام (ره) و رابطه ایشان با همسرشان به همین جا ختم نمی‌شود. یک نامه با این لحن زیبا و عاشقانه، در زمانه خود نشان از رابطه‌ای عمیق دارد

۶۶

به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) نگاهی داریم به روابط میان ایشان با خانواده و همسر فقیه عاشق

زینب زارع چهارمندان

روزنامه‌نگار

نوروز ۱۳۱۲ بود که امام (ره) راهی سفر حج شد. از همین سفر بود که از شهر بیروت در کشور لبنان نامه‌ای محبت‌آمیز و سرشار از دل‌تنگی برای

همسرش نوشت. نامه‌ای که خدیجه خانم ثقفی دوست نداشت کسی آن را بخواند، شاید از روی شرم و حیای زنانه‌اش اما تا همین امروز دست به دست شده و همه آن را شنیده و خوانده‌اند. انگار که آن نامه فقط یک نامه عاشقانه مردی در سفر به همسرش نیست، این نامه بخشی از شخصیت رهبر یک انقلاب است.

بخشی از تاریخی است که معمولا در کتاب‌های رسمی نوشته نمی‌شود. متن کامل نامه این است: «تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایی در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. حال من با هر شدتی باشد می‌گذرد؛ ولی به حمدا... تاکنون هرچه پیش آمد، خوش بوده و الان در شهر زیبای بیروت هستم. حقیقتا جای شما خالی است، فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراهم نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

در هر حال، امشب، شب دوم است که منتظر کشتی هستیم. از قرار معلوم و معروف، یک کشتی فردا حرکت می‌کند، ولی ماها که قدری دیر رسیدیم باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجالتا تکلیف معلوم نیست، امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل. از این حیث قدری نگران هستیم، ولی از حیث مزاج بجمدا... به سلامت، بلکه مزاجم بجمدا... مستقیم‌تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است، جای شما خیلی خیلی خالی است... ایام عمر و عزت مستدام. تصدقت، قربانت؛ روح!...، فروردین ماه ۱۳۱۲ هجری شمسی.»

عاشقانه‌های یکی از بزرگ‌ترین رهبران جهان

باورش سخت است که این جملات، سطرهای نامه یکی از بزرگ‌ترین رهبران معاصر به همسر خود باشد. نامه‌ای که شاید بارها شنیده و خوانده باشید اما هر بار دیدن و خواندنش، لطف دیگری دارد. نظیر توصیفات ساده، زیبا و عاشقانه امام (ره)

خطاب به همسرشان را در کمتر نامه‌ای دیده‌ایم. عاشقانه‌ترین نامه‌ای که از یک فقیه، مجتهد، مرجع تقلید شیعه و رهبر ایران به‌جا مانده، نه تنها مورد توجه روحانیان و سیاستمداران قرار گرفته بلکه در میان روشنفکران و نویسندگان هم زبانزد است.

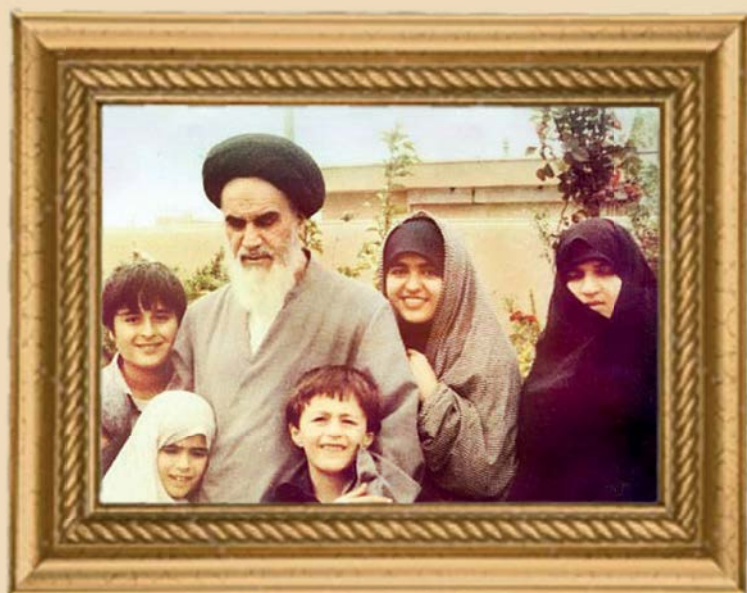
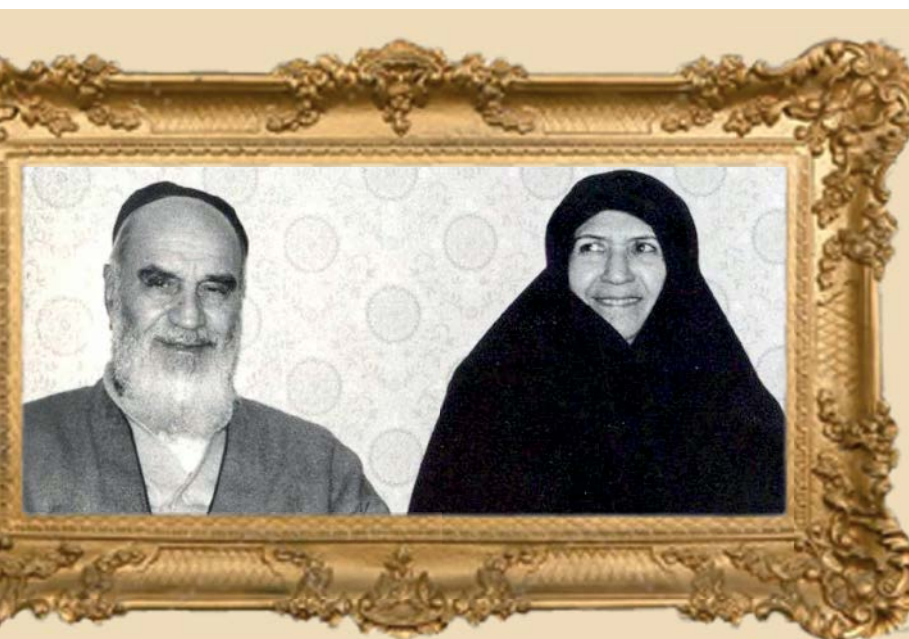
این نامه و نمونه‌های دیگر آن نشان می‌دهد که حتی اگر رهبر یک ملت هم هستید نباید از جاری کردن عشق و محبت در کلام‌تان برای خانواده غافل شوید چرا که اساس زندگی بر پایه محبت، اعتماد، احترام و تعامل بنا می‌شود. محبوب‌ترین بنا در همه ادیان به‌ویژه دین مبین اسلام بنای خانواده است. این بنای مقدس جایگاه مهر و محبت، پایگاه انس و کانون اصلی شکل‌گیری شخصیت انسان است. در همین نقطه است که انسان اوج می‌گیرد یا طعم تلخ سقوط را می‌چشد. امروز دغدغه بسیاری از افراد، حفظ خانواده است. خانواده‌ای که پیش از گذشته در معرض هجوم انواع مختلف مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته و قرار است علاوه بر پشت‌سر گذاشتن این توفان‌های متلاطم، هسته و ستون خود را حفظ کند. به توصیه بسیاری از کارشناسان عشق و مهر و تبلور آن در کلام، همان اکسیر نجات‌بخش خانواده‌هاست.

محبت در کلام تنها به رابطه زن و شوهر خلاصه نمی‌شود، عشق بین والدین و فرزندان و رابطه دوستانه بین فرزندان استحکام نهاد خانواده را چند برابر می‌کند.

از سویی دیگر، محبت و عشق فقط یک احساس، یک واکنش هیجانی، خرید یک هدیه یا یک نگاه پرمعنا نیست. البته همه اینها می‌تواند نشانه‌هایی از رفتار محبت‌آمیز باشد اما محبت یک مرام تربیتی و شیوه زندگی است و به تمرین و یادگیری مهارت و اصول اولیه نیاز دارد. مرد و زن هم ندارد. البته اکثر مردان اعتقاد دارند که عشق باید در عمل نمود داشته باشد و نه در کلام اما حقیقت این است که تاثیر محبت کلامی در بهبود یک رابطه به قدری زیاد است که می‌تواند مانند بادبان، کشتی گرفتار شده را به ساحل برساند.

مهربانی با بچه‌ها

شخصیت خانوادگی امام (ره) و رابطه ایشان با همسرشان به همین جا ختم نمی‌شود. یک نامه با این لحن زیبا و عاشقانه، اگر چه در زمانه خود نشان از رابطه‌ای عمیق دارد اما در روزگاری که بسیاری از



می‌خوردند امام یک ساعت و نیم سر سفره نشسته بودند تا خانم بیاید و غذا نخورده بودند. هیچ‌گاه امام (ره) از خانم نخواستند که فلان چیز را برایشان بیاورند؛ آب، چای و....

احترام به همسر

همسر امام (ره) خدیجه خانم هم خاطراتی از همین دست فراوان دارد و می‌گوید: «حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند. امام (ره) حتی در اوج عصیانیت هرگز بی‌احترامی و اسائه ادب نمی‌کردند. همیشه در اتاق، جای بهتر را به من تعارف می‌کردند و تا من نمی‌آمدم سر سفره، خوردن غذا را شروع نمی‌کردند. حتی حاضر نبودند که من در خانه کار کنم. همیشه به من می‌گفتند: جارو نکن. اگر می‌خواستیم لب حوض روستی بچه را بشویم می‌آمدند و می‌گفتند: «بلند شو، تو نباید بشویی.» امام (ره) حتی در مسائل شخصی من دخالت نمی‌کرد و درباره لباس و رفت‌وآمدها نظر نمی‌داد.»

مذهبی‌ها صرف تعلق قلبی و وفاداری را برای زندگی مشترک کافی می‌دانند، امام (ره) به ما یاد می‌دهد که چقدر ارزش و اهمیت کلام عاشقانه زیاد است. اصطلاحات امام (ره) و این که چند بار جای همسر خود را نزد خود خالی و برای او ابراز دل‌تنگی می‌کنند و از احساسات عمیق قلبی خود می‌گویند نه تنها طبق باور برخی از مردان، چیزی از شخصیت و مردانگی ایشان کم نمی‌کند که اثبات می‌کند مردانگی به نداشتن احساسات عاطفی و بیان نکردن جملات عاشقانه نیست. اما امام (ره) نه تنها در سخن که طبق گفته بانویشان، خدیجه خانم در عمل نیز بسیار عاشق‌پیشه و حمایتگر بودند.

در خاطراتی که از نوه امام درباره رابطه امام (ره) و همسرشان نقل شده می‌خوانیم که هیچ‌وقت امام یک کلام به خانم بی‌احترامی نکردند و در طول زندگی ۷۰ ساله آنها هیچ‌گاه امام (ره) با صدای بلند با ایشان صحبت نکردند. در جایی از این خاطرات آمده که اواخر حیات امام (ره)، خانم به حضرت عبدالعظیم برای زیارت رفته بودند و دیر شده بود. در حالی که آقا معمولا ساعت ۲ بعد از ظهر ناهار